



Anthropological analysis of socio-cultural challenges facing the disabled community

Leila Nasrolahi Vosta¹ | Azar Payab²

1. Assistant professor, Department of Social Sciences-Sociology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: leila.nasrolahi@iaau.ac.ir
2. Graduated in women's studies, women and family orientation, Department of Social Sciences-Sociology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: azar.payab@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-08-07

Received in revised form:
2024-09-30

Accepted: 2024-11-16

Published online: 2024-12-25

Keywords:

Social damage, Disability,
Tehrani disabled women

ABSTRACT

Purpose- Disability is a biological and social phenomenon that all societies face, regardless of their level of development. Groups whose biological needs in the social environment can provide them with the opportunity to move independently and without the help of others, thus having a significant impact on the dynamics of this group's life. In the present study, titled "Roots and Causes of Social Harms Facing Disabled Women in Tehran", the purpose of this study was to analyze the lived experience of disabled women in Tehran of social harms.

Methodology- In order to achieve the research objective, a qualitative phenomenological approach was chosen. The sampling method was also a combination of two approaches: convenience sampling and snowball sampling, which continued until theoretical saturation. The process of identifying samples, preparing and interviewing 30 participants was achieved. And the data was analyzed using the Claise approach.

Findings- The findings indicate that the roots and causes of social harm faced by disabled women in Tehran are: weak laws and regulations; weak planning in the field of education and empowerment of disabled women; weak awareness and culture; also, the way disabled women face this phenomenon is: non-acceptance and concealment, acceptance, confrontation, and self-empowerment.

Conclusion- In society, people with disabilities are treated in a way that makes them appear disabled and deprives them of social activities and presence in society, or they are treated in a way that makes them feel uncomfortable in society and prefer to stay at home. The general awareness of the culture about how to treat and interact with disabilities needs to change from the beginning; children should be taught not only not to ridicule the differences of their disabled friends, but also to praise those differences and the efforts of the disabled person. If children learn this way and such teachings are given from an early age, the distinction between different classes of society will be reduced and there will be greater social participation.

Cite this article: Nasrolahi Vosta, L. and Payab, A. (2025). Anthropological analysis of socio-cultural challenges facing the disabled community. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 14(2), 88-101-. doi: 10.22059/ijar.2024.380533.459882



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

واکاوی مردم شناختی چالش های اجتماعی – فرهنگی پیش روی جامعه معلولین

لیلا نصرالهی وسطی^۱ | آذر پایاب^۲

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی-جامعه شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: leila.nasrolahi@iau.ac.ir

۲. دانش آموخته رشته مطالعات زنان، گرایش زن و خانواده، گروه علوم اجتماعی-جامعه شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: azar.payab@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، معلولیت، زنان معلول تهرانی	هدف-معلولیت پدیده‌ای زیستی، اجتماعی است که تمام جوامع صرف‌نظر از میزان توسعه‌یافتگی با آن مواجه هستند. گروه‌هایی که توجه به نیازهای زیستی آنان در محیط اجتماعی می‌تواند امکان حرکت مستقل و فارغ از کمک دیگران را برای ایشان فراهم کند، در نتیجه بر پویایی زندگی این گروه تأثیر شایان دارد. در پژوهش حاضر که با عنوان «ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان معلول تهرانی» انجام شد. هدف از انجام این مطالعه واکاوی تجربه زیسته زنان معلول تهرانی از آسیب‌های اجتماعی بود. روش‌شناسی-به منظور دستیابی به هدف تحقیق، رویکرد کیفی پدیدارشناسی انتخاب شد. روش نمونه‌گیری نیز به صورت ترکیبی از دو رویکرد نمونه‌گیری در دسترس و نمونه‌گیری گلوله برفی بود که تا اشیاع نظری ادامه یافت. فرآیند شناسایی نمونه‌ها و آماده‌سازی و مصاحبه با ۳۰ شرکت‌کننده حاصل شد. و داده‌ها با استفاده از رویکرد کلایزی تحلیل شد. یافته‌ها-یافته‌ها حاکی از آن است که ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان معلول تهرانی عبارتند از: ضعف قوانین و مقررات؛ ضعف برنامه‌ریزی در حوزه آموزش و توانمندسازی زنان معلول؛ ضعف در آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی؛ همچنین نحوه مواجهه زنان معلول با این پدیده عبارتند از: عدم پذیرش و پنهان‌سازی پذیرش و مواجهه و خودتوانمندسازی می‌باشد. نتیجه‌گیری- در جامعه با افراد دارای معلولیت به نحوی برخورد می‌شود که آن‌ها را ناتوان جلوه داده و فعالیت‌های اجتماعی و حضور در اجتماع را از آن‌ها سلب می‌کند و یا به نحوی با آن‌ها رفتار می‌شود که خودشان از حضور در جامعه احساس خوبی نداشته باشند و ترجیح دهند در خانه بمانند. آگاهی کلی فرهنگ در مورد نحوه درمان و تعامل با معلولیت، از ابتدا نیاز به تغییر دارد؛ باید به فرزندان آموخت که تفاوت دوستان معلول‌شان را نه تنها مسخره نکنند، بلکه آن تفاوت و تلاش‌های فرد معلول را بستانند. اگر کودکان این چنین بیاموزند و چنین آموزه‌هایی از سنین ابتدایی صورت بگیرد، تمایز بین اقشار مختلف جامعه کاسته و مشارکت اجتماعی بیشتری صورت خواهد گرفت.

استناد: نصرالهی وسطی، لیلا و پایاب، آذر. (۱۴۰۳). واکاوی مردم شناختی چالش های اجتماعی-فرهنگی پیش روی جامعه معلولین. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۴ (۲)، ۸۸-۱۰۱. doi: 10.22059/ijar.2024.380533.459882



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

افراد دارای معلولیت^۱ بزرگترین اقلیت جهان را تشکیل می‌دهند. حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان یا تقریباً حدود یک‌هفتم آنان با نوعی از ناتوانی زندگی می‌کنند (لطیفیان و همکاران، ۱۳۹۹). آسیب‌های اجتماعی طبق تعریف، به هر رفتاری گفته می‌شود که برخلاف هنجارها و فرم‌های اجتماعی از فرد سرزده و کارکرد وی را مختل کرده است؛ و به تبع آن کارکرد، خانواده و جامعه را تحت شعاع قرار دهد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۴). به علت دیدگاه سنتی جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت و همچنین عدم شناخت توانمندی‌های این قشر به‌ویژه طیف زنان دارای معلولیت که در گذشته شخصیتی ضعیف‌کش بودند و بر اساس این نگرش، دختران در خانواده چنان بار آمدند که فرمانبردار بی چون و چرا باشند (ساروخانی، ۱۳۹۸).

با عنایت به تعریف سازمان بهداشت جهانی از معلولیت و انواع آن که می‌توان معلولیت حرکتی را متأثر از سه گروه دانست: ۱. وراثت ۲. برحسب حادثه مانند تصادف ۳. کهولت یا کم‌توانی حرکتی (همان: ۲۵). و این موضوع با واقعیت پیچیدگی مناسبات زندگی اجتماعی تناسب بیشتری دارد (عبداللهی کیوانی، ۱۳۹۳). معلولیت پدیده‌ای زیستی، اجتماعی است که تمام جوامع صرف‌نظر از میزان توسعه‌یافتگی با آن مواجه هستند. گروه‌هایی که توجه به نیازهای زیستی آنان در محیط اجتماعی می‌تواند امکان حرکت مستقل و فارغ از کمک دیگران را برای ایشان فراهم کند، در نتیجه بر پویایی زندگی این گروه تأثیر شایان دارد (سرور و همکاران، ۱۳۹۳). این واقعیت اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارد و به اقتضای شرایط و افکار جامعه، به‌صورت متفاوت تفسیر می‌شود. (خیلگوانی، ۱۳۸۶). نتیجه بررسی کارکرد معلولان با محیط در برخی امور ممکن است اجتماعی باشد؛ مانند: اعطا نکردن فرصت‌ها، دسترسی نداشتن امکانات و خدمات، فقر و تبعیض (عبداللهی کیوانی، ۱۳۹۳). معلولان با ایده‌آل‌های جسمانی فرهنگ یا معیارهای نرمال و طبیعی اجتماعی همراه نیستند (گرلند، ۲۰۰۵). بیش از ۶۰۰ میلیون نفر در جهان به دلایل گوناگون جسمی، ذهنی و اجتماعی معلول هستند. از این‌رو پدیده معلولیت موضوع مهم جهانی است. که تعهد زندگی توأم با حیثیت و کرامت بر پایه موازین حقوق بشری برای افراد معلول را می‌طلبد (دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۰). تحول در این مفهوم قابل توجه است: یعنی پدیده‌هایی از جنس شرایط به حالات تبدیل شده است. علاوه بر این فرصت‌ها و رضایت اجتماعی نیز به آن افزوده شده است. همچنین در مناطق بین‌المللی و جهانی، به‌طور کلی در مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند، مفاهیم یادشده به نحوی انعکاس یافته است (ریشه‌شناسی نقص ۲۰۰۸). آبانیه و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «شواهدی از وضعیت عمومی زنان شاغل دارای معلولیت در کشور اردن» به مطالعه شناسایی سطح دشواری‌های مدیریت منابع انسانی (مناسب شغل، آموزش و توسعه، انگیزه و ارزیابی عملکرد) زنان کارمند دارای معلولیت در بخش دولتی کشور اردن، رضایت از شرایط دسترس‌پذیری امکانات در محیط کار و مشکلاتی که هنگام تعامل با سرپرستان و همکاران و همچنین با مشتریان در محل کار با آن مواجه می‌باشند. این مطالعه سهم عملی قابل توجهی در ارائه اطلاعات به سیاست‌گذاران و مدیران منابع انسانی دارد و به آنان کمک می‌کند تا مشکلات مربوط به شغل را شناسایی کرده و برنامه‌هایی را در راستای کاهش مشکلات زنان کارمند دارای معلولیت ایجاد نماید از سوی دیگر این مطالعه می‌تواند نقش مؤثری برای جبران شکاف تحقیقاتی در بررسی زندگی کاری افراد دارای معلولیت برای فراهم نمودن بستر شغلی مناسب و دسترس‌پذیر در راستای ادغام کارکنان دارای معلولیت در کشور اردن و جهان عرب دارد.

^۱ Persons with disability

دنيس بکويث و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه ای با عنوان «بررسی تجربیات زیسته زنان از آموزش و آمیزش جنسی، بیان جنسی و خشونت» به بررسی برخی از ملاحظات اخلاقی و عملی هنگام تحقیق در زمینه زنان ناتوان و تمایلات جنسی می‌پردازد. و فراگیر بودن نگرش ها و فرآیندهای توانمندی را برجسته می‌کند. این محقق که یک زن معلول است، با تکیه بر مطالعات ناتوانی، انتقادی و استفاده از بازتاب انتقادی، برخی از نقاط قوت و محدودیت‌های یک محقق را مورد بحث قرار می‌دهد. همچنین برخی از ملاحظات برای محققانی که به دنبال استفاده از روش‌های فراگیر توسط افراد ناتوان هستند، از جمله اهمیت بیان مسأله و چند روش برای تسهیل و ارتقای دسترسی ارائه می‌کند. اگر قرار است پژوهش انعکاس واقعی جامعه مورد مطالعه باشد، آنگاه اصول فراگیر حیاتی در تمام مراحل پروژه های تحقیقاتی گنجانده شده است.

امی گولدن و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه ای با عنوان «بررسی سیستماتیک و پروتکل فرا ترکیبی تجارب خشونت مبتنی بر جنسیت در میان زنان معلول» با توجه به آنکه GBV یکی از نگرانی های عمده بهداشت عمومی و یک موضوع حقوق بشری می باشد. و خشونت مبتنی بر جنسیت بطور نامتناسبی بر زنان معلول تأثیر می گذارد زنان معلول دو برابر بیشتر از زنان غیرمعلول در معرض خطر ابتلا می‌باشند، با این حال به موضوع کم توجهی شده است. هدف این پژوهش کسب درک بیشتر از تجارب به زنان معلول از طریق یک فراترکیب سیستماتیک و کیفی است.

رستمیان و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان معلول در استان مازندران» به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آزار جنسی زنان معلول استان مازندران پرداختند. نتایج نشان داد که متغیر سبک زندگی، دارای بیشترین ضریب همبستگی و بیشترین مقدار بتا با متغیر وابسته آزار جنسی با اثرگذاری مثبت و مستقیم است. فرضیه مربوط به اثرگذاری سبک‌زندگی بر آزار جنسی معلولان تأیید شد. همچنین، اهداف مناسب بر آزار جنسی معلولان تأثیرگذار بود؛ اما متغیر حضور محافظ توانمند بر آزار جنسی معلولان اثر معناداری نداشت و بنابراین، فرضیه مربوط به اثرگذاری حضور محافظ توانمند بر آزار جنسی معلولان تأیید نشد.

دماری و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «برنامه کشوری بازپروری زنان آسیب‌دیده اجتماعی در سازمان بهزیستی ایران: اهداف، الگوی خدمت، چالش‌ها و راه آینده» مطرح کردند. چالش‌های برنامه شامل عدم پذیرش زنان آسیب‌دیده توسط جامعه، مسائل هویتی فرزندی که حاصل تجربه روابط نامشروع‌اند، امکان اشتغال ضعیف و احتمال سوءاستفاده جنسی از این زنان توسط کارفرمایان، اختلالات روانی زنان آسیب‌دیده، ارتباطات بین بخشی ضعیف در سازمان بهزیستی و کمبود نیروی انسانی خواهد بود. راهکارهای پیشنهادی شامل افزایش اعتبارات مالی، ایجاد بانک اطلاعاتی به‌صورت کشوری و آگاه‌سازی و حساس سازی مردم، تصویب و اصلاح برخی از قوانین قضایی می‌باشد.

با توجه به تجربه زیسته مشابه محقق با جامعه هدف و دغدغه فردی نسبت به موضوع مورد پژوهش مطالعه را آغاز نمودم و با مشورت صاحب نظران و اساتید فعال در این عرصه سیر پژوهش در زمینه «واکاوی مردم شناختی چالش‌های اجتماعی - فرهنگی پیش روی جامعه معلولین» انتخاب شد. در فرآیند این مطالعه مبرهن گردید که در این مسیر با مطالعات پیشین از آنجایی‌که مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته و حتی مشابه با این موضوع پژوهشی انجام نشده است، بر خود لازم می‌دانم تا به دغدغه زنان دارای معلولیت کلان‌شهر تهران بپردازم و با تمرکز بر تجربه زیسته افراد، ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی این قشر را شناسایی و بررسی نمایم. سوالات این پژوهش عبارت اند از:

- ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان معلول تهرانی کدام‌اند؟
- نحوه مواجهه زنان معلول تهرانی با آسیب‌های اجتماعی چگونه است؟

مبانی نظری

افراد دارای معلولیت برای آنکه بتوانند در جامعه حضوری مؤثر داشته باشند با موانع متعددی روبه‌رو هستند و این موانع گاه به دلیل نوع نگاه به معلولیت در ادوار گوناگون تاریخ و در جوامع و فرهنگ‌های مختلف به وجود آمده است. از طرفی با رفع موانع و ایجاد زمینه‌های حضور فعال افراد دارای معلولیت در جامعه می‌توان در مسیر توانمندسازی آنان حرکت کرد. برای شناسایی و درک موانع مشارکت اجتماعی افراد دارای معلولیت به مدل‌های گوناگون مفهوم‌سازی معلولیت نگاهی می‌اندازیم. تلاش‌های متخصصان جهت تعریف معلولیت، دسته‌بندی و ارزیابی آن جهت برنامه‌ریزی و ارائه خدمات در قالب چندین مدل قابل‌مطالعه است. در ادامه از بین مدل‌های رایج چهار مدل مهم اخلاقی، پزشکی، اجتماعی و حقوق بشر به طور خلاصه معرفی می‌شوند. در مدل اخلاقی^۱، معلولیت ناشی از یک گناه و یا رفتاری نادرست در نظر گرفته شده است و فرد دارای معلولیت یا تنبیه می‌شود و یا مورد ترحم و تمسخر قرار می‌گیرد. در نگاهی دیگر ممکن است معلولیت به‌عنوان خواست خداوند مطرح شود و حتی اگر گناهی در میان نبوده، به‌هرحال به دلیلی فراتر از درک بشری رخ داده است. این مدل هم فواید و معایبی دارد. در این مدل ممکن است به فرد دارای معلولیت یا خانواده او کمک چندانی تعلق نگیرد، زیرا اعتقاد بر این است که معلولیت جبران‌ناپذیر است و باید تاوان خود را ببینند. با چنین دیدگاهی ممکن است گاه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی با سناریوهایی مواجه شویم که بازیگر نقش منفی داستان درنهایت دچار ضایعه نخاعی شود و روی ویلچر بنشیند و یا اینکه نابینا شود و دیگر جایی را نبیند و منزوی شود. از طرف دیگر ممکن است فرد با مرتبط دانستن معلولیت با خواست و حکمت الهی معنایی برای رنجی که می‌کشد بیابد. در چنین شرایطی افراد ممکن است با اعتقاد به باورهای مثل «هیچ چیز بی‌حکمت نیست» و یا «هر اتفاقی دلیلی دارد» تلاش می‌کنند تا معنایی برای معلولیت بیافرینند. (نقوی و همکاران، ۱۴۰۲)

یکی از مدل‌های رایج معلولیت مدل پزشکی^۲ است. اوایل قرن بیستم معلولیت به‌عنوان یک مسئله پزشکی در نظر گرفته شد که مانع مشارکت اجتماعی فرد می‌شود. مدل پزشکی همچنان مدلی قدرتمند در سراسر جهان است. در این مدل افراد دارای معلولیت بر اساس نوع معلولیتشان توصیف می‌شوند، مثلاً پزشکی در بیمارستان ممکن است به پرستار بگوید: «آن ضایعه نخاعی که عمل داشت الان در کدام اتاق است؟» مدل پزشکی متمرکز بر درمان بیماری یا علائم بیماری است و توجه چندانی به وضعیت محیطی و یا نگرشی پیرامون بیماری ندارد. این مدل به افراد دارای معلولیت، نقش بیمار می‌دهد و آن‌ها را از انجام وظایف اجتماعی معاف می‌دارد. منتقدان این مدل بر این باورند که مدل پزشکی افراد دارای معلولیت یا بیماری مزمن را از مشارکت و حضور اجتماعی طرد می‌کند. (اندروز^۳، ۲۰۱۷؛ اسمارت^۴، ۲۰۰۳).

یکی دیگر از مدل‌های رایج معلولیت مدل اجتماعی است. در این مدل که پژوهش حاضر بر این تعریف اتکاء دارد، معلولیت یک ویژگی شبیه به تمام ویژگی‌های دیگر انسانی مثل رنگ مو و پوست است نه یک مسئله پزشکی که حتماً نیاز به درمان و برطرف شدن دارد. این مدل تمرکز را از فرد به سوی جامعه هدایت می‌کند و به موانع ساختاری، اجتماعی، محیطی و نگرشی پیرامون معلولیت می‌پردازد که اجازه مشارکت اجتماعی را از افراد دارای معلولیت سلب می‌کند. در این مدل، معلولیت سازه‌ای اجتماعی در نظر

^۱ Moral model

^۲ Medical model

^۳ Andrews

^۴ Smart

گرفته می شود و موانع بیرونی مثل موانع فیزیکی، موانع دسترسی به خدمات، موانع نگرشی مثل تبعیض ها و کلیشه ها مهم تر از موانع درونی مثل نقص جسمی است. در این مدل فرد بر معلولیت مقدم است، بر خلاف دیدگاه رایج که ابتدا معلولیت دیده می شود، سپس فرد. به همین دلیل در مدل اجتماعی پیشنهاد می شود که به جای کلمه «معلول» اصطلاح «افراد دارای معلولیت» استفاده شود. در این مدل تبعیض های اجتماعی به عنوان مهم ترین مشکل بر سر راه توانمندی افراد دارای معلولیت شناخته شده است. منتقدان مدل اجتماعی^۱ بر این باورند این مدل دقیقاً مشخص نمی کند که افراد دارای معلولیت بر اساس چه شاخص هایی شناخته می شوند؟ یکی دیگر از مدل های مهم معلولیت مدل حقوق بشر است و در آن معلولیت ناشی از ساختار سیاسی اجتماعی جامعه است. تفاوت مدل حقوق بشر با مدل اجتماعی در این است که مدل اخیر تمرکز بیشتری بر مفهوم حق دارد. در دیدگاه های حق مدار برخی مسائل که در جوامع گوناگون طبیعی محسوب می شوند، به چالش کشیده می شود، مثلاً به چه دلیل برخی از افراد گروه اقلیت محسوب می شوند و آسیب می بینند؟ این نوع دیدگاه ها معمولاً پشتوانه های بین المللی و جهانی دارند و ممکن است منجر به ایجاد کنوانسیون ها و اعلامیه های گوناگون شوند. شاید مهم ترین مدل حقوق بشری^۲ در زمینه معلولیت کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت باشد. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت یکی از موفق ترین معاهدات حقوق بشری سازمان ملل متحد بوده و در بسیاری از کشورها از جمله ایران تصویب شده است (دگنر^۳، ۲۰۱۷). هدف این کنوانسیون ترویج حمایت و تضمین برخورداری کامل و برابر از کلیه حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه افراد دارای معلولیت و ترویج احترام به کرامت ذاتی آنهاست. بنا به تعریف کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت شامل افرادی هستند که دارای آسیب های بلند مدت جسمی، روانی، هوشی یا حسی هستند که در تعامل با موانع مختلف ممکن است مانع مشارکت کامل، مؤثر و برابر آنها در جامعه شود. این کنوانسیون در ۵۰ ماده به تصویب رسیده است. چند نمونه از مواد تصویب شده شامل حقوقی چون دسترسی، آگاهی افزایی، برابری و عدم تبعیض، حق آموزش و سلامت است. اصول کلی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت عبارتند از: * احترام به کرامت ذاتی و استقلال فردی، شامل آزادی انتخاب و عدم وابستگی. * عدم تبعیض^۴. * مشارکت کامل و مؤثر و ادغام در جامعه. * احترام به تفاوت ها و پذیرش افراد دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی و انسانیت. * فرصت های برابر. * دسترسی. * برابری زن و مرد. * احترام به ظرفیت های در حال رشد کودکان دارای معلولیت^۵ برای حفظ هویت خود (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲).

روش شناسی

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کیفی از نوع تک مقطعی بوده و فلسفه آن تفسیرگرایی می باشد. راهبرد انتخاب شده برای این پژوهش، پدیدارشناسی توصیفی می باشد زیرا راهبردی است که هدف آن کاوش درباره ی معنا بخشی شرکت کنندگان به دنیای اجتماعی و فردی خود می باشد که با هدف این پژوهش مطابقت دارد. جامعه هدف در این مطالعه متشکل از زنان دارای معلولیت کلانشهر تهران در سال ۱۴۰۲ بودند. روش نمونه گیری نیز به صورت در دسترس، قضاوتی هدفمند و گلوله برفی تا اشباع نظری انجام شد. فرآیند شناسایی نمونه ها و آماده سازی و مصاحبه با ۳۰ شرکت کننده حاصل شد. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق از کتاب ها، پایان نامه ها، مقالات و پایگاه های اطلاعاتی استفاده شده است و روش گردآوری

¹ Social model

² Human rights model

³ Degner

⁴ discrimination

⁵ Children with disability

اطلاعات کیفی بوده و ابزار آن مصاحبه نیمه ساختاریافته است. داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های کیفی و نیمه ساختاریافته، به‌صورت نوشتاری پیاده شده و پس‌از آن کدگذاری‌های موردنظر، به تحلیل نتایج از طریق رویکرد کولایزی پرداخته شد.

یافته‌ها

واکاوی ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان معلول تهرانی

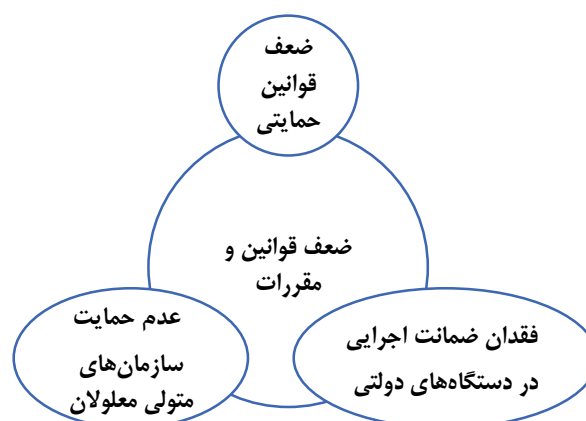
پس از بررسی مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری داده‌ها در بخش واکاوی ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان معلول تهرانی ۳ مضمون اصلی یافت شد، خلاصه مضمون‌های یافته شده در جدول (۱)، بیان شده است.

جدول ۱. فهرست مضمون‌ها

مضمون‌ها
ضعف قوانین و مقررات
ضعف برنامه‌ریزی در حوزه آموزش و توانمندسازی زنان معلول
ضعف در آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی

ضعف قوانین و مقررات

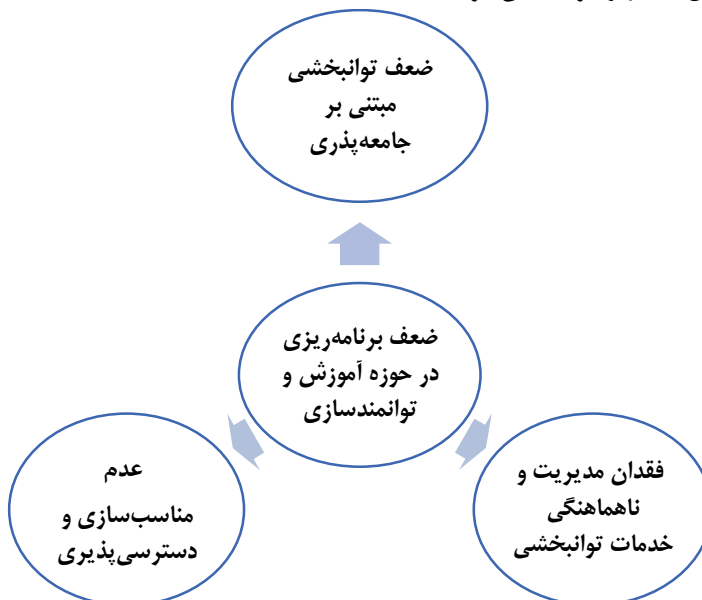
در سال‌های اخیر، مهم‌ترین خواست جامعه معلولان ایران، اجرای کامل قانون حمایت از حقوق معلولان بوده است. هرچند این قانون با وجود در برگرفتن بسیاری از خواست‌های عمده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در مجموع حقوق افراد معلول، همچنان دارای کمبودهای جدی است که رفع آنها در سال‌های پیش‌رو خود از مهم‌ترین ضروریات و الزامات عملکردی سازمان‌های حمایتی از جمله سازمان‌های غیردولتی افراد معلول است. نقل قول‌های زیر گویای این موقعیت هستند.



شکل ۱. درون‌مایه فرعی ضعف قوانین و مقررات

ضعف برنامه‌ریزی در حوزه آموزش و توانمندسازی

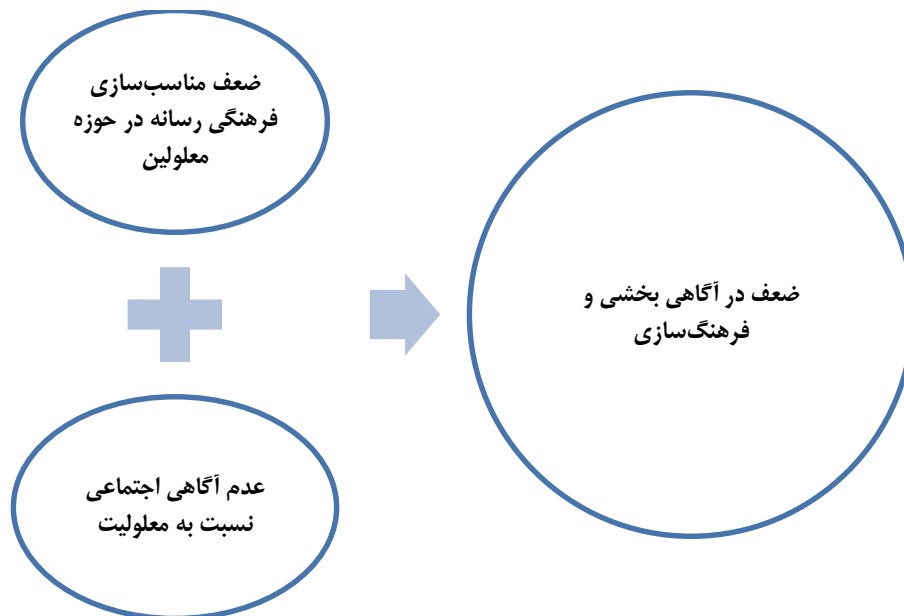
علی‌رغم اینکه در قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت به مهارت‌آموزی معلولان اشاره شده است و مرکز حمایت از اشتغال سازمان بهزیستی نیز راه‌اندازی شده اما، هنوز در این زمینه ضعف جدی وجود دارد، به‌صورتی‌که نه سازمان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مسئولیت این کار را به‌صورت کامل بر عهده می‌گیرد و نه مرکز حمایت از اشتغال سازمان بهزیستی توانایی این را دارد که این موضوع را دنبال کند. نقل قول‌های زیر گویای این موقعیت هستند.



شکل ۲. درون‌مایه فرعی ضعف برنامه‌ریزی در حوزه آموزش و توانمندسازی

ضعف در آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی

یکی از مسائلی که افراد دارای معلولیت هر از گاهی در جامعه با آن مواجه هستند، نگاه‌ها و برخوردهایی است که از جانب اجتماع متوجه این گروه می‌گردد و آنچه مشخص است ضعف فرهنگ‌سازی و افزایش اطلاع‌رسانی در خصوص این گروه در سطح جامعه است. در ادامه به برخی نقل قول‌ها در این زمینه اشاره می‌شود.



شکل ۳. درون‌مایه فرعی ضعف در آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی

واکاوی نحوه مواجهه زنان معلول تهرانی با آسیب‌های اجتماعی

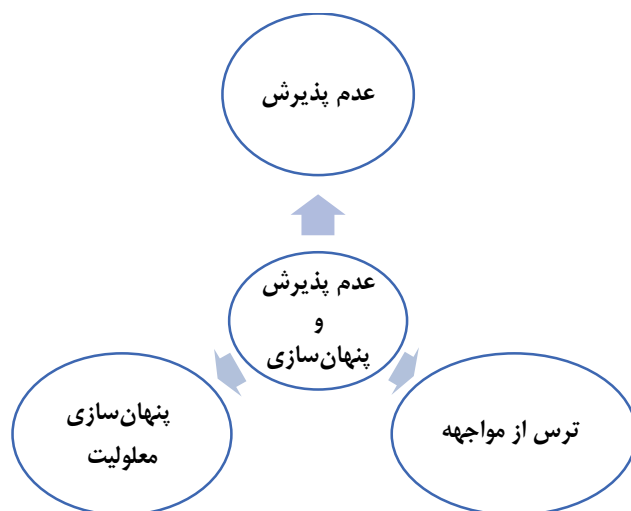
پس از بررسی مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری داده‌ها در بخش واکاوی نحوه مواجهه زنان معلول تهرانی با آسیب‌های اجتماعی ۳ مضمون اصلی یافت شد، خلاصه مضمون‌های یافته شده در جدول (۲) بیان شده است.

جدول ۲. فهرست مضمون‌ها

مضمون‌ها
عدم پذیرش و پنهان‌سازی
پذیرش و مواجهه
خودتوانمندسازی

عدم پذیرش و پنهان‌سازی

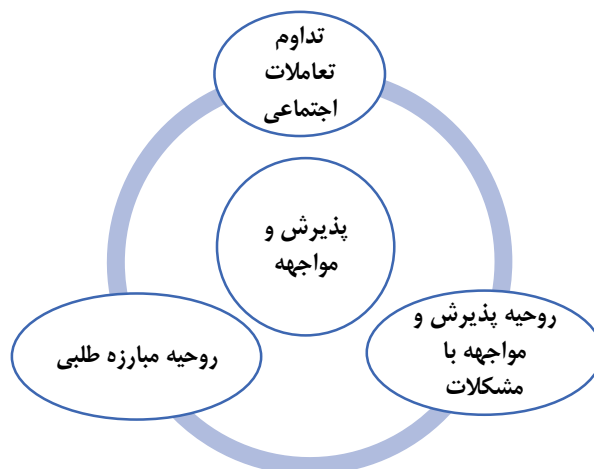
زن معلول در رویارویی با معلولیت از زمان آغاز شناخت از بدن خود با نوعی چالش و کلنجار ذهنی دست و پنجه نرم کرده است. در اینجا درک زنان معلول از وضعیت خود بسیار عمیق‌تر و فشار روانی حاصل از آن مضاعف شده است. در موارد بسیاری وضعیت ادراکی و تفسیری از خود و جسم خود، منجر به انزوای شدید شده است، به‌صورتی‌که حاضر به حضور در هیچ جمعی نبوده‌اند. چنین تفسیر از وضعیت خود و نحوه‌ی تعامل با آن در مورد بیشتر زنان شرکت‌کننده صدق می‌کرد. در حقیقت آنچه در مباحث به وضوح به چشم می‌خورد نوعی عدم پذیرش، ترس از مواجهه، پنهان‌سازی معلولیت، در میان آنان بوده است. نقل قول‌های زیر گویای این موقعیت هستند. در ادامه به برخی نقل قول‌ها در این زمینه اشاره می‌شود.



شکل ۴. درون مایه فرعی عدم پذیرش و پنهان سازی

پذیرش و مواجهه

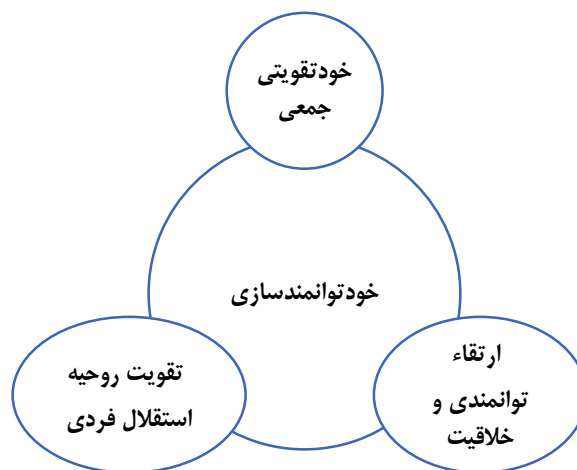
بر اساس سخنان مشارکت کنندگان، اکنون آنها علی رغم درک وضعیت جسمانی شان به شکلی مقبول آن را پذیرفته اند یعنی به حقیقت می توانند خودشان را به عنوان یک زن معلول تعریف کنند. مشکلی را که قبلاً آن را قبول نداشتند، امروز آگاهانه پذیرفته اند و به شکلی بازاندیشانه به خود و جایگاهشان در جامعه می نگرند. در ادامه به برخی نقل قول ها در این زمینه اشاره می شود.



شکل ۵. درون مایه فرعی پذیرش و مواجهه

خودتوانمندسازی

خودتوانمندسازی معلولین در برگیرنده خودتقویتی جمعی، ارتقاء توانمندی و خلاقیت، تقویت روحیه استقلال فردی توسط خودشان است. زنان معلول برای انطباق با اوضاع پیش روی خود سعی کرده اند با گردآمدن پیرامون یکدیگر از خلوت تنهایی بیرون آمده با هم نوع و هم وضعیت خود راحت ترین تعاملات زندگی شان را برقرار کنند و در کنار همه ی اینها توانایی های هموعانشان را دیده و به کنکاش در درون خود بپردازند تا وی نیز توانایی هایش را تجسم بخشد. در ادامه به برخی نقل قول ها در این زمینه اشاره می شود.



شکل ۶. درون‌مایه فرعی خودتوانمندسازی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌ها با بررسی دو سوال اصلی که در سؤال اول واکاوی ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان معلول تهرانی پرداخته است در این واکاوی پس از بررسی مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری داده‌ها در بخش واکاوی ریشه‌ها و علل بروز آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان معلول تهرانی ۳ مضمون اصلی یافت شد خلاصه مضمون‌های یافت شده به شرح ذیل می‌باشد: «ضعف قوانین و مقررات، ضعف برنامه‌ریزی در حوزه آموزش و توانمندسازی زنان معلول، ضعف در آگاهی بخشی و فرهنگ سازی» می‌باشد. درون مایه فرعی ضعف در قوانین و مقررات شامل: «ضعف قوانین حمایتی، فقدان ضمانت اجرایی در دستگاه‌های دولتی، عدم حمایت سازمان‌های متولی معلولان» همچنین درون مایه فرعی ضعف برنامه‌ریزی در حوزه آموزش و توانمندسازی نظیر: «ضعف توانبخشی مبتنی بر جامعه‌پذیری، فقدان مدیریت و ناهماهنگی خدمات توانبخشی، عدم مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری»، درون مایه فرعی ضعف در آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی حاوی «ضعف مناسب‌سازی فرهنگی رسانه در حوزه معلولین، عدم آگاهی اجتماعی نسبت به معلولیت» می‌باشد. در سوال دوم واکاوی نحوه مواجهه زنان معلول تهرانی با آسیب‌های اجتماعی نیز پس از بررسی مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری داده‌ها در بخش واکاوی نحوه مواجهه زنان معلول تهرانی با آسیب‌های اجتماعی ۳ مضمون اصلی یافت شد، خلاصه مضمون‌های یافت شده شامل: «عدم پذیرش و پنهان‌سازی، پذیرش و مواجهه، خودتوانمندسازی» بوده که درون مایه فرعی پذیرش و مواجهه حاوی: «تداوم تعاملات اجتماعی، روحیه پذیرش و مواجهه با مشکلات، روحیه مبارزه طلبی» درون مایه فرعی خودتوانمندسازی نظیر: «خودتقویتی جمعی، ارتقاء توانمندی و خلاقیت، تقویت روحیه استقلال فردی» می‌باشد.

تبلور حقوق اساسی مردم در قانون اساسی، پیش‌درآمدی برای حضور آزادانه، آگاهانه و مؤثر آنان در اداره کشور محسوب می‌شود. متأسفانه، در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضعیت معلولین به‌عنوان طیفی خاص از شهروندان جامعه مورد شناسایی پروژۀ قرار نگرفته و به تبع، به حقوق ویژه وضعیت آنان نیز اشاره صریحی نشده است، تنها از خلال اصول کلی مندرج در این قانون می‌توان رهیافت‌های حمایتی قانون‌گذار را شامل حال این قشر از افراد نیز کرد. این خلأ، یکی از کاستی‌های مهم قانون اساسی به

شمار می‌رود. در مقدمه قانون اساسی، به آزادی و کرامت انبای بشر به مثابه سرلوحه اهداف قانون اساسی توجه شده و کرامت انسانی جزو مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. توجه به کرامت انسان‌ها از نظر امکان فعالیت‌های اجتماعی در اصل سوم نیز قابل تأمل است. همچنین، در اصل نوزدهم سخن از اصل اساسی منع تبعیض است و همگان بهره‌مند از حقوق مساوی دانسته شده‌اند. براساس اصل بیستم، همه افراد ملت، یکسان‌اند و در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. به موجب اصل بیست‌ونهم، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی، مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و... حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند. آنچه نوشتیم، نگاهی کوتاه به بُعد نظری قانون اساسی بود. همچنان که می‌دانیم قانون اساسی ضامن عینیت بخشیدن به آزادی و کرامت انبای بشر است. بنابراین، برعهده همگان و خصوصاً قانون‌گذار است که با پایبندی به این اصل و لوازم و آثار آن زمینه را برای تحقق عدالت و آزادی و برابری و پیشرفت فرد و جامعه فراهم آورد؛ البته اجرایی شدن این اصول در صحنه عمل و نزد مجریان قانون اساسی و قوای سه‌گانه، نکته بسیار مهمی بوده که نیازمند مباحثه جدی است. در مطالعه‌ی رستمیان (۱۴۰۰) به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آزار جنسی زنان معلول استان مازندران پرداختند. نتایج نشان داد که متغیر سبک زندگی، دارای بیشترین ضریب همبستگی و بیشترین مقدار بتا با متغیر وابسته آزار جنسی با اثرگذاری مثبت و مستقیم است. فرضیه مربوط به اثرگذاری سبک زندگی بر آزار جنسی معلولان تأیید شد. اهداف مناسب بر آزار جنسی معلولان تأثیرگذار بود؛ اما متغیر حضور محافظ توانمند بر آزار جنسی معلولان اثر معناداری نداشت و بنابراین، فرضیه مربوط به اثرگذاری حضور محافظ توانمند بر آزار جنسی معلولان تأیید نشد. در مطالعه‌ی دیگر علی محمدی (۱۳۹۶) با عنوان «نارسایی و اولویت‌بندی موانع مشارکت ورزشی زنان معلول جسمی و حرکتی استان قم» نشان داد که موانع مشارکت زنان معلول جسمی و حرکتی، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: موانع اقتصادی، رسانه‌ای، ساختاری، فرهنگی و اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و موانع فردی. به نظر می‌رسد که توجه به محدودیت‌های مالی برای رفع این موانع و همچنین، اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها بتواند تا حدود زیادی موانع اصلی افزایش مشارکت ورزشی بانوان معلول جسمی و حرکتی را برطرف کند. همچنین عبداللهی (۲۰۱۲) در پژوهش خود که در رابطه با فرهنگ ایرانی دارای ویژگی‌های پدرسالانه است؛ و به همین دلیل فرهنگ پدرسالار نقش کلیدی در تعریف جامعه و افراد معلول از معلولیت ایفا می‌کند. حضور ویژگی‌های پدرسالارانه در فرهنگ، خود را به عنوان موانع صعب‌العبور در مورد کار و ازدواج در جامعه نشان می‌دهد. این موانع به‌طور مداوم از طریق رسانه‌ها و کنش‌های نشان‌دار کننده داغ ننگ اجتماعی (مانند برچسب زدن، دست انداختن، ممانعت کردن، گول زدن و نگاه و صحبت ترحم‌آمیز) و همچنین عوامل عینی (به‌خصوص موانع فیزیکی مشارکت افراد معلول در زندگی اجتماعی روزمره) باز ساخت می‌شوند. همه این عوامل به درک «مغایر» به‌وسیله افراد معلول در ایران کمک می‌کند.

از سویی نحوه تعامل این قشر از زنان جامعه با افراد سالم یکی از موارد مهمی است که بایستی به آن پرداخت. به درک این تعاملات و فهم مشکلات زندگی اجتماعی آن‌ها در عرصه‌ی میان فردی و نهادی می‌تواند به فهم جایگاهشان در جامعه کمک کند. نحوه‌ی سازگاری آنان با اجتماع و تشریح مشکلات زندگی روزمره‌ی آنان یاری رساند. نتایج حاکی است که زنان معلول در زندگی اجتماعی خود با مسائلی همچون دوگانگی تعاملی و محرومیت‌های مضاعف روبه‌رو هستند و در این عرصه از یک‌سو توانسته‌اند به‌نوعی تعریف جدید از خود دست یابند و از سوی دیگر به‌نوعی خود تقویتی جمعی و مقاومت فعال اقدام کنند. از سوی دیگر دماری (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی تبیین اهداف، الگوی خدمت، چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی برنامه کشوری بازپروری زنان

آسیب‌دیده اجتماعی در سازمان بهزیستی پرداختند. چالش‌های برنامه شامل عدم پذیرش زنان آسیب‌دیده توسط جامعه، مسائل هویتی فرزندی که حاصل تجربه روابط نامشروع‌اند، امکان اشتغال ضعیف و احتمال سوءاستفاده جنسی از این زنان توسط کارفرمایان، اختلالات روانی زنان آسیب‌دیده، ارتباطات بین بخشی ضعیف در سازمان بهزیستی و کمبود نیروی انسانی خواهد بود. راهکارهای پیشنهادی شامل افزایش اعتبارات مالی، ایجاد بانک اطلاعاتی به‌صورت کشوری و آگاه‌سازی و حساس‌سازی مردم، تصویب و اصلاح برخی از قوانین قضایی می‌باشد. در پژوهشی دیگر حسینی و صفری (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسند که در ایران افراد معلول به دلایلی همچون محرومیت درآمدی، مشخص نبودن میزان و نوع اشتغال، فقر قابلیت در خصوص شاخص آموزش و فقدان اعتبارات لازم جهت اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، در شمار فقیرترین و مطرودمترین افراد جامعه قرار دارند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به گستردگی و پراکندگی موضوع اشاره کرد، لذا این پژوهش تنها به بررسی مطالعاتی پرداخته است که در پایگاه‌های مطرح شده و به زبان فارسی نمایه شده‌اند. بنابراین مقالات مجلاتی که زبان چاپ آنها انگلیسی می‌باشد و مقالات همایش‌ها و پایان‌نامه‌ها را در نظر نگرفته است. همچنین به دلیل گستردگی و وجود انواع متفاوت معلولیت‌های ذهنی، جسمی و روانی و اسامی متعدد معلولیت‌های موجود، کلیدواژه‌هایی در نظر گرفته شد که به هدف پژوهش نزدیک باشد و مباحثی نظیر سالمندی که خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد وارد پژوهش نگردد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- به مسئولین دولت پیشنهاد می‌شود با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، اهدای وام و تسهیلات کارآفرینی و فراهم نمودن بستر آموزشی و ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و استفاده از پتانسیل‌های موجود مانند صدا و سیما و فضای مجازی و بالابردن سطح سواد و اطلاعات علمی و بالأخص آموزش و توانمندسازی جامعه هدف در زمینه استفاده از دنیای تکنولوژی با رعایت قانون در دسترس‌پذیری نسبت به توانمندسازی این طیف اقدام نمایند.

- پیشنهاد می‌شود تا در راستای ترویج فرهنگ معلولیت دولتمردان با رعایت قانون جامعه هدف از طریق صداوسیما نسبت به رفع مشکلات مربوط به ازدواج زنان دارای معلولیت و همچنین ترویج فرهنگ انجام مشاوره ژنتیک در میان آحاد جامعه اقدامات لازم انجام شود.

- به دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند به مسائل مربوط به جامعه افراد دارای معلولیت در حوزه جامعه‌شناسی، روانشناسی پیشنهاد می‌شود تا با پرداختن به پژوهش در زمینه‌های -بررسی رابطه معلولیت با ناهنجاری‌های اجتماعی- بررسی رابطه اعتیاد با معلولیت- بررسی میزان توانمندی مالی با معلولیت - نقش رسانه در ترویج فرهنگ معلولیت - بررسی رابطه معلولیت با ناهنجاری‌های جنسی در داخل کشور به حل موانع و محدودیت‌های این طیف بپردازند.

- به صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران صداوسیما پیشنهاد می‌شود تا در راستای تولیدات سینمایی و تلویزیونی و همچنین تهیه مستندات با رعایت حقوق شهروندی این قشر در زمینه ترویج فرهنگ معلولیت گام بردارند.

- به متولیان این امر پیشنهاد می‌شود که با توجه به معیارهای شهرهای همه‌شمول، در طرح‌های توسعه بازنگری شود تا با فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت افراد دارای شرایط خاص بویژه معلولان، کودکان، سالمندان، مفهوم شهروندی برای همه محقق شود.

منابع

- حسینی، حسن و صفری، فاطمه. (۱۳۸۷). معلولیت، فقر و طرد اجتماعی، رفاه اجتماعی، ۸ (۳۰ و ۳۱)، ۲۸۴-۲۶۵.
- خیلگاوانی، اکرم (۱۳۸۹)، ساخت اجتماعی معلولیت: پژوهش با رویکردی بر ساخت گرایانه اجتماعی، مورد مطالعه: رشت، پایان نامه پژوهش در علوم اجتماعی، به راهنمایی دکتر خاروق امین مظفری.
- رستمیان، آفاق؛ رحمانی فیروزجاه، علی؛ عباسی اسفجیر، علی اصغر. (۱۴۰۰). مطالعه جامعه شناختی آزار جنسی زنان معلول در استان مازندران. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۰ (۴)، ۶۹-۹۰.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۸). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش (انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران)، چاپ بیست و سوم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، موسسه کیهان، چاپ اول
- سرور، رحیم، محمدی حمیدی، سمیه، و ولی خانی، اژدر. (۱۳۹۳). تحلیل وضعیت فضاهای عمومی شهری برای معلولین و کم توانهای حرکتی؛ نمونه مورد مطالعه: میدان دوم صادقیه (تهران). جغرافیا، ۱۲ (دوره جدید) (۴۱)، ۸۳-۱۰۵.
- عبداللهی کیوانی، سیده زهرا. (۱۳۹۲). معلولیت و زندگی روزمره در شهر تهران، تهران، نشر تپسا.
- لطیفیان، مریم؛ بنی اسد، اسماء؛ کمالی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد اجتماعی معلولیت، یک مرور نظام مند. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۷ (۲۶)، ۵۳-۱۰۱.
- مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی ایران. (۱۳۹۷). قانون حمایت از معلولان.
- نقوی، اعظم، عباسی، علی، بدخشیان، سمیرا (۱۴۰۲) روایتی از زن، معلولیت و استقلال، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Abdullahi Kiwani, Seyedah Zahra. (2012). Disability and daily life in Tehran, Tehran, Tisa Publishing. Latifian, Maryam; Bani Asad, Asma; Kamali, Mohammad. (2019). Examining social dimensions of disability, a systematic review. *Research Journal of Social Work*, 7(26), 53-101. (in persian)
- Andrews, E. (2017). *Disability models*. In M. Budd, S. Hough, S. Wegner, & W. Stiers. *Practical Psychology in medical rehabilitation*. pp. 77.
- Hosseini, Hassan and Safari, Fatemeh. (2008). disability, poverty and social exclusion; *social welfare*; 8 (30 and 31):284-265. (in persian)
- Iranian Islamic Council Research Center. (2017). *The law for the protection of the disabled*. (in persian)
- Khilgawani, Akram (2010), *Social construction of disability: research with a social constructionist approach, case study: Rasht*, research thesis in social sciences, under the guidance of Dr. Kharouq Amin Mozafari. (in persian)
- Naqvi, Azam, Abbasi, Ali, Badakhshian, Samira (2023) *A narrative of women, disability and independence, Isfahan*, Jihad University Press. (in persian)
- Rostamian, Afaq; Rahmani Firouzjah, Ali; Abbasi Esfajir, Ali Asghar. (2021). Sociological study of sexual abuse of disabled women in Mazandaran province. *Strategic Researches of Social Issues*, 10(4), 69-90. (in persian)
- Sarokhani, Baqir. (2010), *An introduction to social science encyclopedia*, Tehran, Kayhan Institute, first edition. (in persian)
- Sarukhani, Bagher. (2018). *Introduction to Family Sociology*, Tehran, Soroush (Islamic Republic of Iran Broadcasting Press), 23rd edition. (in persian)
- Sarwar, Rahim, Mohammadi Hamidi, Samia, and Vali Khani, Azder. (2013). Analysis of the state of urban public spaces for the disabled and those with reduced mobility; Study sample: Sadeghieh second square (Tehran). *Geography*, 12 (new period) (41), 83-105. (in persian)
- Smart, J. (2004). *Models of disability: The Juxtaposition of biology and social construction*. In T. Riggard, & D. Maki. *Handbook of rehabilitation counseling*. pp. 25-50. Springer.

